



سلسلہ انتشارات انجمن آثار ملی

۷۰

از آستارا تا آستارا باد

جلد اول

« بخش اول »

شامل

آثار و بناہای تاریخی گیلان و پارس

تالیف:

دکتر منوچہر ستودہ



سماره نمب کتابخانه ملی ۳۵۳ تاریخ ۱۰/۵/۶۹

تعداد چاپ دو هزار نسخه تیر ماه ۱۳۴۹

چاپ و گراور و صحافی سرک چاپ نادان

دیباچه

بنام پروردگار بخشاینده مهربان

پس از حمد و شنای خدای تعالی و درود فراوان بر پیامبر مسلمانان حضرت محمد مصطفی (ص) و در پر تو عنایات خسر و انزه
اعلی حضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهی شاه آریامهر کتاب حاضر حاوی اطلاعات مربوط به
تاریخ باستانی و اینه تاریخی واقع در قسمتهای از نواحی جنوبی دریای خزر، بمرکز انتشار و اتحادیه علاقه مندان گذارده میشود.
سراسر خطه کیلان، مازندران و کرگان که از روزگار ان قدیم نام دار المرز بدان داده اند از چند جهت اهمیت تاریخی

فراوان دارد:

نخست آنکه از سیران سال پیش اقوام تمدن آریانی در دشت و دره ها و کوهپایه های آن سکونت گزیده
آثار پهنری و فرسکی پس از زنده از خو و بجا نهاده اند که گروههای متعدد باستان شناسی ایرانی و غیر ایرانی ضمن کاوشهای گوناگون
نقشه های بسیار شگیم گیر و همی از آنها را پیدا کرده مورد بررسیهای علمی قرار داده اند و نمونه های گوناگون زیاد و جالب توجهی از آنها
هم اکنون زینت بخش موزه ایران باستان و کواسی بر این حقیقت است.

کتور ما و بزرگ کانون ریشه های ژرف از تمدن درخشان بنحاشی، که تمام سرزمینهای شمال غربی قسمت مهم شمال ایران
باستان را در برداشت طبعا شامل آنهاست کانونی کیلان و مازندران و کرگان هم بود و بدین قرار سهمی شرک از تمدن وسیع و شکوهمند

شی در زمین نواحی شمالی کوه کداری شده است .

دوین عالی برگزیده هنر خط و ابر الیزه شیوه معماری خاص آنها جلوه گری میکند . آشنایان به سرزمین معماری اسیل ایران نجیبی
ف دارند که بطور کلی میتوان معماری ایران زمین را بر دو گونه جداگانه مشخص دانست .

گونه ای از آن ، معماری محلهائی است که محروم از داشتن آب کافی و وضع قلمی مساعد بوده آفتاب درخشان آب هوای
گرم و گرمای شدید تابستان و سرمای تند زمستان و ثمرات دیگر حاصل از چنین وضعی عمده مواسب طبیعی چنان تقاطعی شمار میرود و در نتیجه
ذکی ساختها بنا و اصول معماری اینگونه محلهها در خورد بناگونه آب هوای آریق یافته است که اینگونه گرانه های کویر و دیگر نقاط مرکزی و حاد
بان نمونه های مشخص تر چنین معماری را میسپاید .

گونه دیگر معماری تقاطعی که بر اثر آب هوای مساعد و رطوبت فراوان دارای کشتزارها و باغستانها و جنگلهای شیره بوده به پیری
وضع چنین نقاط پوششها و سقف بندهای زیبای مسطح و استفاده از ستون تیر و الوار و در پنجره و صندوق نسبت دیگر آثار چوبین
نما فرو تر انجام گرفته است و مطابق مختلف چنین معماری را بطبع میتوان در اقلیم و آثار کیلان دریافت .

پوستگی سنت ها و آداب پیش از اسلام ایران با آنچه در عهد اسلامی و روزگار کنونی در بسیاری از زیارتگاهها و اماکن متبرک
کیلان میکنند (و از این باب میتوان گفت وجه مشترک شکفت گیزی با بسیاری از تکیه ها و زیارتگاههای بعضی نواحی دیگر ایران خصوصا
سرزمین یزد و اردو) ، نام برخی از بتلغ آن سامان که یاد آور و در آنها میباش از اسلام است ، نوع مخصوص زیارتگاه که بنام
زیارت و سخط شناخته شده است و بسیاری نکات جالب توجه دیگر در باره اما مزاده های کیلان و معتقدات مردم آن مرز
بوم در این زمینه عوامل اختصاصی دیگری است که پیش از پیش اعمیت استان کیلان را از جنبه های مختلف تاریخی می نماید خوانندگان گرامی
تیرمه . متن کتاب توضیح کافی داشته و در باره مرکب از این نکات را در می یابند .

با در نظر گرفتن پهنه وسیع و آبادان نواحی جنوبی دریای خزر و لزوم بررسی و معرفی آثار تاریخی و اکتفا به استانان فراوان
 آن منطقه پهنای و طبعاً انجام چنین خدمت اساسی با تدوین یک جلد کتاب صورت پذیر می‌گشت و دانشمند گرامی آقای دکتر منوچهر ستود
 استاد محترم تاریخ در دانشگاه تهران از فرزندان فرزانه شمال ایران که خود عنصری پر شور و آشنای علاقه مند به هر گونه مظاهر تاریخی و
 فرهنگی میهن عزیز هستند گردآوری مطالب مربوط در این زمینه و تألیف چند کتاب در این باره را با همه دشواریهای آن پذیرا شدند و بدین
 با همکاری پر ارزش خویش در اجرای قسمتی از هدف دیرین انجمن آثار ملی موجبات سپاسگزاری کامل این انجمن را فراهم ساختند
 و به نسبت پیشینه تاریخی خطه مورد ذکر نام کلی از آثار آثار بار بار برای تألیف پر ارزش خود برگزیدند که اینک
 نخستین مجلد آن حاوی بررسیها و دستنیهای مربوط به **میته پس گیلان** (نام قسمت غربی گیلان از آستارا تا ماکرانه سفیدرود
 که بهین نام از دورانههای بسیار قدیم در کتب و تواریخ معرفی شده است) از نظر دوستان و شیفتگان چنین آثار میگذرد.
 باشد که مؤلف دانشمند پر تحرک و کاوشگر از جمله کتاب در تألیف سایر مجلدات مورد نظر و انجام و بنابر خدمت پر مهر خویش
 نیز زودتر توفیق شایسته یا قه خاطر علاقه مندان چنین خدماتی را پیش رویش نشود و موجبات استنادهای فراوانتر انجمن آثار ملی را فراهم
 فرمایند.

بمنه و کرمه

انجمن آثار ملی

فهرست بخشهای کتاب

- ۱- مقدمه يك- توزده
- ۲- کتابشناسی گیلان و مازندران و گرگان بیست - شصت و دو
- ۳- فهرست نامهای کتبی که جزء منابع و مآخذ این کتاب است شصت و سه- شصت و پنج
- ۴- مختصری از جغرافیای تاریخی و انسانی گیلان ۱- ۷
- ۵- بخش یکم، جغرافیای تاریخی آستارا ۸- ۱۰
- ۶- آثار و بناهای تاریخی آستارا ۱۰- ۲۳
- ۷- عکسهای مربوط به بخش آستارا از شماره يك تا دوازده ۲۴- ۳۵
- ۸- بخش دوم، جغرافیای تاریخی گرگان رود ۳۵- ۳۸
- ۹- آثار و بناهای تاریخی گرگان رود ۳۸- ۵۰
- ۱۰- عکسهای مربوط به بخش گرگان رود از شماره ۱۳-۳۰ ۵۱- ۶۸
- ۱۱- بخش سوم، جغرافیای تاریخی اسالم ۶۹- ۷۰
- ۱۲- آثار و بناهای تاریخی بخش اسالم ۷۰- ۷۴
- ۱۳- عکسهای مربوط به بخش اسالم از شماره ۳۱-۳۷ ۷۵- ۸۳
- ۱۴- بخش چهارم، جغرافیای تاریخی تالش دولاب ۸۳- ۸۵
- ۱۵- آثار و بناهای تاریخی بخش تالش دولاب ۸۵- ۹۲

- ۱۰۷-۹۳ ۱۶- عکسهای مربوط به بخش تالش دولاب از شماره ۳۸-۵۰
- ۱۰۸-۱۰۷ ۱۷- بخش پنجم، جغرافیای تاریخی شاندرمن
- ۱۱۱-۱۰۸ ۱۸- آثار و بناهای تاریخی شاندرمن
- ۱۱۶-۱۱۲ ۱۹- عکسهای مربوط به بخش شاندرمن از شماره ۵۱-۵۴
- ۱۱۸-۱۱۷ ۲۰- بخش ششم، جغرافیای تاریخی ماسال
- ۱۲۲-۱۱۸ ۲۱- بناها و آثار تاریخی ماسال
- ۱۲۸-۱۲۳ ۲۲- عکسهای مربوط به بخش ماسال از شماره ۵۵-۵۹
- ۱۳۳-۱۲۹ ۲۳- بخش هفتم جغرافیای تاریخی ماسوله
- ۱۴۰-۱۳۳ ۲۴- آثار و بناهای تاریخی ماسوله
- ۱۵۳-۱۴۱ ۲۵- عکسهای مربوط به بخش ماسوله از شماره ۶۰-۷۲
- ۱۵۶-۱۵۴ ۲۶- بخش هشتم، جغرافیای تاریخی فومن
- ۱۶۹-۱۵۷ ۲۷- آثار و بناهای تاریخی بخش فومن
- ۱۸۷-۱۷۰ ۲۸- عکسهای مربوط به بخش فومن از شماره ۷۳-۹۱
- ۱۹۰-۱۸۸ ۲۹- بخش نهم جغرافیای تاریخی گسگر
- ۱۹۷-۱۹۰ ۳۰- بناها و آثار تاریخی گسگر
- ۲۱۵-۱۹۸ ۳۱- عکسهای مربوط به بخش گسگر از شماره ۹۲-۱۰۹
- ۲۱۷-۲۱۶ ۳۲- بخش دهم، جغرافیای تاریخی شفت
- ۲۲۴-۲۱۷ ۳۳- آثار و بناهای تاریخی شفت
- ۲۲۶-۲۲۵ ۳۴- عکسهای مربوط به بخش شفت شماره ۱۱۰
- ۲۲۷-۲۲۶ ۳۵- بخش یازدهم جغرافیای تاریخی تولم
- ۲۲۹-۲۲۷ ۳۶- آثار و بناهای تاریخی بخش تولم
- ۲۳۱-۲۳۰ ۳۷- عکسهای مربوط به بخش تولم شماره ۱۱۱
- ۲۳۵-۲۳۱ ۳۸- بخش دوازدهم جغرافیای تاریخی چهارفریضه
- ۲۳۹-۲۳۵ ۳۹- بناها و آثار تاریخی بخش چهارفریضه

- ۲۴۰-۲۴۲ - ۴۰- عکسهای مربوط به بخش چهار فریضه از شماره ۱۱۲-۱۱۴
- ۲۴۳-۲۴۹ - ۴۱- بخش سیزدهم، جغرافیای تاریخی موازی
- ۲۴۹-۳۲۴ - ۴۲- بناها و آثار تاریخی بخش موازی
- ۳۲۵-۴۲۲ - ۴۳- عکسهای مربوط به بخش مواری از شماره ۱۱۵-۲۱۵
- ۴۲۳-۴۲۵ - ۴۴- بخش چهاردهم جغرافیای تاریخی لشتنشاہ
- ۴۲۵-۴۴۰ - ۴۵- بناها و آثار تاریخی بخش لشتنشاہ
- ۴۴۱-۴۶۰ - ۴۶- عکسهای مربوط به بخش لشتنشاہ از شماره ۲۱۶-۲۳۵
- ۴۶۱-۴۶۳ - ۴۷- بخش پانزدهم، جغرافیای تاریخی رودبار و رحمت آباد
- ۴۶۳-۴۸۰ - ۴۸- آثار و بناهای تاریخی شهرستان رودبار و رحمت آباد
- ۴۸۱-۴۹۲ - ۴۹- عکسهای مربوط به رودبار و رحمت آباد از شماره ۲۳۶-۲۴۷
- ۴۹۳-۴۹۵ - ۵۰- بخش شانزدهم، جغرافیای تاریخی عمارلو
- ۴۹۵-۵۰۱ - ۵۱- آثار و بناهای تاریخی عمارلو
- ۵۰۲-۵۰۸ - ۵۲- عکسهای مربوط به بخش عمارلو از شماره ۲۴۸-۲۵۴
- ۵۰۹-۵۱۲ - ۵۳- تصحیحات- اضافات- تعلیمات
- ۵۱۳-۵۱۹ - ۵۴- اصطلاحات فسی و لغات محلی که در این کتاب به کار رفته است
- ۵۲۰-۵۸۹ - ۵۵- فهرست نامهای کسان - جایها - خاندانها - تیره ها و کتابها

مقدمه

خداوند در توفیق بگشای

سه سال پیش که انجمن آثار ملی به فکر افتاد، اطلاعاتی درباره آثار باستانی و بناهای تاریخی حاشیه دریای خزر گردآوری و چاپ کند «قرعه فال به نام من دیوانه زدند» و مرا مأمور انجام این کار کردند.

نگارنده در تابستان همان سال به نواحی کوهستانی روی آورد و یکی دو ماه در دیلمان و کلارستاق و نور و کجور و لاریجان به گردآوری مطالب و عکس برداری و نقشه کشی و خواندن کتبه‌ها و سنگهای قبور قدیمی پرداخت. معلوم شد اگر روزی این کار سامانی پذیرد و آنچه نوشته‌اند، نوشته شود، مثنوی هفتاد من کاغذ شود.

نامه‌ای به انجمن نوشت و یادآور شد که این کار در زمانی محدود به انجام نخواهد رسید و در صفحاتی معدود نخواهد گنجید. ریاست هیأت مدیره انجمن - جناب سمیه فرح‌الله آقاولی - ما گشاده روئی و گشاده دستی، دست مرا باز گذاشتند و از قید تنگنای صفحات مقرر و محدود آرا دم کردند. از این رو به مهمل و آغاز کار که رودخانه آستارا بود روی آوردم و دره‌های فرعی سمت راست آب را که در حاک ایران است، یکی پس از دیگری با پای پیاده بیه و دم و به ثبت و ضبط آثار و بناهای تاریخی مشغول شدم. بررسی بخش آستارا پس از يك ماه و نیم به پایان رسید. سپس به نواحی پنجگانه تالش نشین که سابقاً «خمسه طوالش» می‌خواندند، پا گذاشتم و کرگان رود و اسالم و تالش و لابل و شاندرمن و ماسال

را ده به ده و کوی به کوی رفتم و آنچه بنا و آثار تاریخی بود ، از نزدیک دیدم .
کناریکایک رودخانه‌هایی که اثری تاریخی یا گورستانی قدیمی داشت ، تا آخرین
سرچشمه آب که بر قلعه‌های رشته اصلی البرز بود ، پیاده یا بر پشت اسبهای
راهوار محلی بالا رفتم و آنچه بود ، از نزدیک مطالعه و بررسی کردم .

پس از بخشهای دنجگانه تالش نشین ، نوبت به مناطقی که در زمینهای
هموار گیلان است ، رسید و بخشهای فومن و شفت و تولم و چهار فریضه و خممام و
مواری و کوچسپهان و سنگر ، از زیر چشم گذشت و هر جا آجری بر آجری یا
سنگی بر سنگی گذاشته بودند یادداشت کردم .

از رشت «به مر عزاردیلم و طرف سفیدرود» آمدم و کهدم و رودبار و رحمت-
آباد و عمارلو را روستا به روستا گشتم و آنچه دیدم و شنیدم ، نوشتم ، تا
این مجموعه فراهم آمد که اکنون به پیشگاه اهل علم و تحقیق عرضه
می‌گردد .

در این سفرها ، همواره توفیق رفیق راه نبود . شرح رویدادها و گرفتاریها
نیر در این مختصر جای مناسبی ندارد . همین قدر بگویم که بر خوردها و سوء
ظننها و محبتهای افراد ، در ذهن نگارنده ، اثری محو شدنی بر جای گذاشته است .
یکی پیش می‌افتاد و به دورترین نقطه راهنمائیم می‌کرد . یکی مرا تعزیه خوان
می‌دانست دیگری گنج‌گیر می‌خواند . چهارمی می‌گفت که برای خریدن زیر-
خاکی آمده است . پنجمی مرا مأمور اداره اوقاف می‌دید و از کمی زائر و نذر
و نیاز می‌نالید ، «هر کسی از طن خودش یادمان» . دوسه بار ، کار از گفتگو به-
مجادله و خصمه کشید ، به ژاندارمری محل پناه بردم و از معرفی نامه و سمارش-
نامه‌هایی که انجمن داده بود ، استفاده کردم

گاهی در حوش کار گرفتار بارندگی می‌شدم و از کار بازمی‌ماندم . یکبار
پس از باران خوردن فراوان ، خود را به ماشین رساندم سیلاب داخل اطاق و
موتور آن شده بود و همین امر مرا دوسه روز معطل و سرگردان کرد .

در سفری که به اتفاق مهندس پرویز فروزی برای نقشه برداری به قلعه رودخان می‌رفتیم از بالای پلی چوبین که به عرض چهل سانتیمتر و به طول سی متر بود، باس به داخل آب افتادم و غوطه‌ای چند خوردم. آب در دوربین عکاسی اثر کرد و آن را ارکار باخت. دفتر بزرگ یادداشت هم روی آب می‌رفت که همراهان و راهنمایان، آن را گرفتند.

گرمای روزهای تابستان و نبودن آب گوارا و حمله حشرات گوناگون در شب، از گرفتاریهای حائرسای جلگه کیلان است.

شرح این هجران و این خون‌حگر این زمان بگدار تا وقت دگر
با اینهمه نگارنده مدعی نیست کار مطالعه و بررسی خاک کیلان را از نظر تحقیق آثار و بناهای تاریخی تمام کرده است. خود می‌داند که این بررسی، کاری بسیار خام و ابتدائی است. شاید بتوان آن را فهرستی از محلهای تاریخی و آثار بازمانده قدیمی دانست. اگر روزی این کتاب راهنمایی برای هیأت‌های علمی مجهز و باستان‌شناسان باتجربه شد، آن وقت است که نگارنده احس و پاداش خود را یافته است.

بناهای تاریخی کیلان زیاد قدیمی نیست

بارندگیهای فراوان، هوای بسیار مرطوب و درختان جنگلی متنوع، آفت‌های بررگ بناهای تاریخی ناحیه کیلان بوده و هست. خشت در صفحات خشک ایران یعنی حاشیه کویر صدها سال دوام می‌آورد. اما آجر و سنگ در صفحات کیلان عمر زیاد ندارد. در اینجا نباید در پی بناهای بائصد ششصد ساله بود، زیرا کمتر نائی هر قدر هم محکم ساخته شده باشد، می‌تواند در مقابل عوارض حوی و وضع اقلیمی کیلان نایب‌دار و استوار بایستد. در این سرزمین بناهای صد و دویست ساله را باید قدیمی دانست و نه ثمت و ضبط آن پرداخت. زیرا زمانی نخواهد گذشت که از این‌ها نیز اثری بر جای نخواهد ماند.

باران و رطوبت دائمی، مصالح بنا را نرم می‌کند و می‌پوساند و آنچه

چهار

نرم و پوسیده شد، فرومی ریزد و بنا به تلی تبدیل می شود و چیزی نمی گذرد که درختان جنگلی و بوته های پر خار، روی این تل رامی گیرند و اثری جز بر آمدگی مختصری بر حای نمی ماند.

عجیب تر اینکه بر بام بناهایی که برپا هستند، درختان مختلف جنگلی، خصوصاً درخت انجیل می روید و ریشه های قطور و توانای آنها، در میان ملاط فرسوده فرومی رود و آحر و سنگ را از ملاط جدا می کند و یکی پس از دیگری فرو می افتد و بنا بدین ترتیب در مدت کمی از میان می رود.

دسته بندی بناهای تاریخی

آب و هوا و وضع اقلیم در طرح و مصالح بناهای تاریخی بسیار مؤثر بوده و شکل بناها را دگرگون کرده است، تاجائی که هیچگونه شباهتی میان بناهای تاریخی منطقه گیلان و بناهای تاریخی سایر نقاط ایران نیست. گاهی، تنها چوب، مصالح اصلی بنای مدارس و مساجد است و دوام چوب هم در نقاط مرطوب زیاد نیست از گندهای کاشی کاری زیبا و گلدسته های بلند مزین در اینجا نشانی نمی یابید. شاید بتوان طرح بناهای تاریخی مناطق خشک تر، نظیر رودسار و رحمت آباد و عمارلو را همانند سایر مناطق ایران دانست زیرا در این صفحات گندهای کاشی کاری و ترفینات بیشتری در ساها دیده می شود. اما رویهم رفته طرح بناهای تاریخی گیلان بسیار ساده است و خارج از شکل مربع یا مستطیل نیست. بناهای تاریخی سرزمین گیلان را می توان به ترتیب زیر دسته بندی کرد:

مدرسه ها - مسجدها - امامزاده ها و بقعه ها و آستانه ها و تربت ها، شامل قبور امامزادگان، شیوخ، پیران، درویشان، میران، بابایان، (۱) شاهان (۲) سلطانان (۳)، - مقابر بزرگان و سران قوم - چله خانه ها - خانقاهها - تکیه ها - کاروانسراها - حمامها - بازارها - شهرهای قدیمی مثل گوراب گسکر - خانه های قدیمی بزرگان - بناهای دولتی نظیر - دارالحکومه، باستیان، توپخانه -

پنج

قلعه‌ها - قلعه کل‌ها (۱) - پلها - مناره‌ها - راهپا نظیر راه شاه عباسی - گورستانهای قدیمی که به قبور گبری معروفند .

در بیه‌پس و بیه پیش کیلان به شش «زیارت دستخط» بر خوردم که شاید نظیر آنها را در سایر نقاط ایران نتوان یافت . در این گونه زیارتها ، قرآنی عظیم، مجدول و مطلاً با خطی خوش ، در حعبه‌ای نگاهداری می‌شده است . برای این حعبه صندوقی ساخته‌اند و آن را مانند مرقد راه یافتگان به حق ، زیارت می‌کنند در دوزیارتگاه، قرآن در حعبه‌ای بود و حعبه در بنائی چوبین و بلند که زائران بدان دسترسی نداشتند و از پائین، دیوار و پایه‌های بنا را زیارت می‌کردند . می‌گویند این قرآنها به خط علی بن ابی طالب علیه السلام و یکی دو تن از ائمه اطهار سلام الله علیهم است . در صیقلان تولم برای این گونه قرآن مسجدی ساخته‌اند و به نام «مسجد آقا پیله قرآن» یعنی «مسجد آقا قرآن نزرگ» می‌خوانند . قرآن نه‌منی چماچای شفت که به اعتقاد مردم آن سامان يك برگ آن نه‌من و تمام اوراق و حلد آن نیز نه‌من است ، امامزاده نعمان که امروز «شاهزاده احمد» می‌خوانند ، به وجود آورده است . به قرآنی که در «زیارت دستخط» کیجای کهدم است ، کامران میرزا کهدمی قسم یاد کرد که به حمشیدخان وفادار باشد ، اما جر خیانت به او نکرد . (۲) قرآنی که در «زیادت دستخط» گشت فومن بوده ، به یغمارفته است و امروز قرآنی چاپی به جای آن بهادماند .

در حاک بیه‌پس کیلان، کمتر به بناهای هشت ضلعی یا شش ضلعی بر خوردم . فقط بنای بقعه عون بن محمد بن علی علیه السلام و حرم بقعه حواهر امام در شهر رشت و حرم بقعه امامزاده قاسم در چولاب کوچسفهان و مقبره زرین تاج در گورستان هنجیل به شکل هشت ضلعی بنا شده است .

۱ - کل رسم در زبان کیلکی به معنی «تپه» است بیشتر این تپه‌ها احاکریزهای

دستی است که بعداً بر بالای آن قاعه ساخته‌اند

(۲) تاریخ کیلان عهدالفتح فومنی چاپ نگارنده ص ۷۰

شش

قسمتهای مختلف بنای مساجدی که در شهرها وجود دارد از این قرار است :

قسمت اصلی مسجد که معمولاً مردان در آنجا اجتماع می کنند - غرفه زاننه - حوضخانه که مرکز تطهیر و تجدید وضو است - انبار - کفش کن ، در بعضی مساجد اطاقی برای خادم نیز بنا کرده اند .

نگارنده در هر يك از این بناها ، آنچه قابل ذکر بود ، در کتاب حاضر یاد آور شد . چگونگی منارا شرح داد و تزئینات خارجی و داخلی آن را انگاشت . اگر طرح منائی تازه بود و اختلافی با سایر انبیه داشت ، نقشه آن را رسم کرد ، صندوق و ضریح را اندازه گرفت و نوع چوب و کنده کاری و مشبك کاری و قاب و گره هر يك را نوشت . علمها و توغهای بقعه ها را عکس برداشت و یکایک آنها را شرح داد . آداب علم بندی و علم و اچینی و روزهای آنها را در هر امامزاده یادداشت کرد . اگر به رسم عجیب یا سنتی عریب ، در این محلهای متبرك بر خورد ، یاد آور شد . درختهای عظیم هر بقعه را اندازه گیری کرد . مطالب سنگ قبرها و نشانه ها و نقوش روی آنها را نقل نمود و تا آنجا که مقدور بود ، به گردآوری مطالب مختلف که در متن کار نبود ، دست زد ، زیرا دست یافتن به بیشتر این بناهای دور - افتاده ، برای همه کس میسر و مقدور نیست .

در امامزاده ها چه می گذرد؟

بیشتر مردم ده نشین گیلان تا امروز در مرحله پرستش «توتم» هستند در گیلان مثلی سایر است که «هرجا پیله پیله داره - اونجه گیلکان مزاره» یعنی هر جا درختان بزرگ و تنومند است ، آنجا پرستشگاه و زیارتگاه گیلکهاست تا امروز درختان بزرگ جنگل ، مثل بلوط و آزاد ، در دشت و درختان رمان گنحشک و انواع سرو کوهی در کوهستان ، مورد تعظیم و تکریم اهالی است اطراف آنها چراغ روشن می کنند و شمع می افروزند و به شاخه های بازك آنها دخیل

هفت

می بتدند و آنها را به نام «آقادر» و «آقاسور» و «آقاریس» و نظایر آنها می خوانند .

همین درختان با گذشت زمان به امامزاده تبدیل می شوند و در ظرف پنجاه سال اخیر، در حدود ده درخت که را می نمودر کتاب گیلان خود به نام «مزار» خوانده و در زمان وی جز درختی ننومند چیزی دیگر نبوده است ، امروز کنار آنها بنائنی ساخته اند و به نام امامزاده حسن و امامزاده ابراهیم و نظائر آنها نام گذاری کرده اند (۱).

در نقاط کوهستانی، کوهی عظیم یا قله ای بلند و نوک تیز نظر ساکنان را به خود کشیده و محل متبرک برای ایشان شده است . بر بالای این قله معمولاً بنائنی می سازند و نام امامزاده بر آن می گذارند و نذرو بیاز خود را بدانجامی برند . گالشان که از قشلاق به ییلاق می روند ، شیریک روز گاوان یا گوسفندان خود را به این امامزاده های بخشند تا در طول تابستان گله های ایشان گرفتار ناخوشیهای گوناگون نشود . در سراسر تابستان نیز چند سر از این حانداران را به امامزاده می آورند و قربانی می کنند و گوشت آنها را به زائران یا متولی می دهند .

در بعضی از این بقاع هنوز سنن و رسوم هزاران سال پیش گیلان بدون تغییر و تبدیل دیده می شود . معمولاً روز زوار کشی (۲)، بازاری محلی در این بقاع بر پا می شود . فروشندگان متاع خود را از دورترین نقطه بدینجامی آورند و خریداران ، نوترین و بهترین لباسها را می پوشند و روی به این نقاط یا قله های دور افتاده می کنند . در آنجا نه تنها احساس و کالاهای مورد نیاز زندگی روزمره خرید و فروش می شود ، بلکه بالاترین سرمایه آدمیان که عشق و محبت است نیز بازاری گرم و رایج دارد . دختران دم بخت با چهره های گلگون و قامت های رسا ، لباسهای زیبا و رنگارنگ محلی را به تن کرده و از عصر روز پیش به زیارت می آیند .

(۱) نگارنده در متن به پارهای ادایها اشاره کرد

(۲) روزهای معینی از سال را مردم به زیارت امامزاده معینی می روند و آن روز را روز

زوار کشی آن امامزاده می خوانند .

هشت

پسران نیز سر و صورت می آریند و چموش یا تاوه (۱) می کنند و پیاده یا بر پشت اسب ، خود را به امامزاده می رسانند . گاهی از يك دهکده ، در حدود بیست نفر پسر و دختر باهم به راه می افتند و اگر تاریکی فرارسد و شب هنگام به زیارت امامزاده نرسند ، بر سر چشمه ای یا روی چمنزاری به زیارت یکدیگر می رسند . «چه خوش بود که بر آید به يك کرشمه دو کار» مقدسی که در سال ۳۷۵ قمری (۲) خود شاهد و ناظر رسمی ، همانند آداب کنونی بوده است می نویسد : «ولهم اسواق علی ایام الجمعة فی السهل ، لکل قرية يوم ، فاذا فرغوا انجاز الرجال والنساء الی معزل يتصارعون فيه ورجل حالس معه حبل ، کل من غلب عقده عقده . فاذا هوی الرجل امرأة راح معها ، فیتلقاه أهلها بالبشر والترحیب ویتباهون به اذا رغب فی کرهم ، فیضيفونه ثلاثة ایام ، تم ینادی المنادی بعدما اجتمع معها اسبوعا فی عمارة له بمعزل فیجتمعون ویختطون .» یعنی (سا کنان دیلم) روزهای جمعه در اراضی هموار ساحلی بازارهایی دارند . در هر دهکده روزی معین ، این بازار برپا می شود . چون خرید و فروش پایان رسد ، مردان و زنان برای کشتی گیری در گوشه ای جمع می شوند . مردی در آنجا نشسته و طنابی در دست دارد . برای کسی که در کشتی غالب شود ، گرهی به این طناب می زند . اگر مردی زنی را بخواهد با او می رود منسوبان زن این عمل را خوب می دانند و با گشاده روئی تلقی می کنند و اگر به ناخایشان بروند مباحات و مفاخره می کنند . سه روز ایشان را مهمان می کنند . پس از آنکه يك هفته مرد با زن در عمارتی که در خلوت - گاه است گذرانند چارچی حار می زند ، مردم گرد می آیند و برای ایشان خانه می سازند .

(۱) چموش کفشهای چرمی گیلاز و پاتاوه حج بیج ما سدی است که به ساق پا می پیچند
(۲) شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابونکرالینا الشافعی المقدسی الشافعی متولد سال ۳۳۵ قمری کتاب « احسن المقاسیم فی معرفة الافالیم » خود را در سال ۳۷۵ قمری از مسوده پاکوویس کرد و در سال ۳۷۸ تجدید نظر کرد

یکی از طوایف ژرمنی که در دامنه‌های آلپ در قسمت آلمان نشین سوئیس زندگی می‌کنند نظیر این سنت را دارند و معتقدند که هر کس بالاتر از ارتفاع معینی از این کوه گناهی مرتکب شود، خدای بزرگ او را می‌بخشاید و در نامه اعمال آن یاد نمی‌کند دختران و پسران، دست در دست خود را، کشان کشان به بالای این کوه می‌رسانند و کام دل از یکدیگر می‌گیرند. آیا منشأ این رسم و سنت همانند که در دو گوشه مختلف جهان است می‌تواند یکی باشد؟

امامزاده‌های دور افتاده، بیمارستان و داروخانه ساکنان دهکده‌های اطراف است مردم دور افتاده از پرشک و دارو، درمان هر گونه مرض خود را از این امامزاده‌ها می‌خواهند. تور و کبچی^(۱) و رگیل دار و مسلول و کور و افلیج و کسانی که گرفتار انواع امراض جلدی هستند، همه به این امامزاده‌ها پناه می‌آورند. هر يك نیازی می‌آورد و متوسل به یکی از این امامزاده‌ها می‌شود و شفای خود را از او می‌جوید. معتقدند گل پاره‌ای از این امامزاده، شفا بخش همه‌گونه ناخوشیها است. گذشته از آدمیان، امراض گاو و گوسفند و چهارپایان بارکش را نیز معالجه می‌کند. زنان نازا، تخم مرغی را تزئین می‌کنند و دور آن را با ابریشم می‌بافند و به درو دیوار امامزاده می‌آویزند تا بچه‌دار شوند. در پاره‌ای از امامزاده‌ها سنگهایی به اشکال عجیب است که در آنها چاله‌های کوچکی است. آب در آنها می‌ریزند و با سنگ کوچک دیگری می‌سایند و مایعی به رنگ شیر به دست می‌آید، برای بیماران می‌برند تا بخورند و شفا یابند و برای تندرستان می‌برند تا بخورند و گرفتار امراض نشوند. روی صندوق اغلب امامزاده‌ها، فسیل‌های گوناگون متعلق به ادوار مختلف زمین‌شناسی دیده شد.

برای پاره‌ای از امامزاده‌ها، زائران از پیر و جوان و بزرگ و کوچک،

۱- تور درگیلکی به معنی حل و دیواره است و کبچی به کسی گویند که عضلات صورت او به عظمی منقبض شده و دهانش را کج کرده است

شاخه کوچکی از کیش (= شمشاد جنگلی) از اطراف خانه خود یا از سر راه به دست می گیرند و به عنوان «برگ سزی» به امامزاده می آورند و به نرده ایوان آن می زنند یا روی صندوق می گذارند (۱).

هدایائی که به عنوان نیاز به امامزاده ها داده می شود، عبارت از پول نقد، انواع پارچه های رنگین یا سیاه، نخ، یا ابریشمی، نفت، شمع، ابریشم کلاف شده، شیر، قربانی و نظایر آنهاست.

در بیشتر امامزاده ها شاخ گوزن (= گنج گاو) بر درختان حیاط، یا در ایوان یا داخل حرم بر دیوار است بر پاره ای از صندوقها، شاخ گوزن یکی دو ساله نیز دیده شد. در کوهستانهای بی درخت و بی جنگل که مرکز زندگی این حیوان بیست، شاخ بر کوهی همین اهمیت و احترام را دارد. در حقایقها و کندوکاوهای که در گورستانهای مختلف این صفحات کرده اند، مجسمه سفالی و فلزی گوزن بدست آمده است. ظاهراً این حیوان، از قدیم الایام در این سرزمین مورد تکریم بوده است.

علم - علم بندی - علم و اچینی

بیشتر امامزادگان علمی مخصوص دارند. ارستونهای جاوایوان امامزاده، دوستون را مزین و منقش می کنند و دو چوب منقش افقی بر بالای بدنه آنها می گویند و چوب چهار پنجه متری کننده کاری شده علم را روی آنها قرار می دهند. در بیشتر بقعه ها، روز اول محرم، مراسم علم بندی برپا می شود. عدای مفصلی تهیه می کنند و سینه زبان پس از سینه زدن، چوب علم را می آورند و عدای به خانه متولی می روند و بنجه علم و بقعه هائی که در آنها انواع پارچه -

۱- يك هفته قبل از جشن بر حاستن مسیح از مردگان که روز یکشنبه برپا می شود آرامه در کلیسا جمع می شوند و کشیش شاحه های شمشاد را که در آنها دعا خوانده است به دست حاصران می دهد ایشان شاحه های شمشاد را به خانه می آورند و در اطاق خود می گذارند تا خشک شود.

یازده

های رنگین قیمتی است می آورند ، پنجه را بر سر چوب علم نصب می کنند و پارچه را یکی پس از دیگری بر چوب علم گره می زنند. علم از لاغری بیرون می آید و هیكل قطور و تنومندی پیدا می کند . بعد آن را در جلودر ورودی بقعه به یکی از ستونها می بندند. در طول دهه محرم ، علم نیز در آداب و رسوم عزاداری شرکت داده می شود و هر کس پارچه ای نذر آن کرده است می آورد و روی سایر پارچه ها می بندد .

سراجم روز علم و اچینی می رسد . معمولاً علم را روز سوم امام یعنی سیزدهم محرم ، یا روز قتل امام حسن که روز بیست و هشتم صفر است و امی چینند. و اچیدن نیز نظیر علم بستن آدابی دارد . عنائتی آماده می کنند ، سینه ای می زنند و پارچه ها را یکی پس از دیگری از چوبه علم باز می کنند و در بقچه ها می گذارند و به خانه متولی می برند .

در بعضی اما مزاده ها ، و اچیدن علم را به سر خرمن و دوران چیدن برنج می گذارند . ظاهراً گرفتاری و اشتغال رعایا را سبب نگهداری علم تا این وقت می دانند . ولی احتمال می توان داد که در ایام گذشته در این موقع جشنی نظیر جشن محصول برداری فرنگیان^(۱) در این صفحات معمول بوده است ، به این سبب علم را تا آن وقت نگاه می دارند تا در مراسم محصول برداری نیز شرکت داده باشند .

این گونه علمها را نگارنده هر جا دید ، توصیف کرد و اگر مشخصاتی داشت عکسبرداری نمود و در کتاب نشان داد ، علم قدیمی بقعه آقا سید رگریا ، در سته دیم خشک بحار خمام و علم مسجد جامع امشه ، در امشه سنگر و علم بقعه آقاسید مهدی ، در استلك لشتن شاه و علم بقعه سید علی کیا ، در ازدها باوج لشتن شاه که بیشتر شاهت به توغ دارد از علمهای طریف و دیدنی است .

۱- این جشن را به انگلیسی « Thanks giving day » می خوانند

دوازده

قدمت بناهای تاریخی بیه پس گیلان تا چه پایه است؟

مراکز اصلی تمدن گیلان را باید در دامنه ارتفاعات رشته البرز، یا بر بالای تپه‌های دستی یا طبیعی حوالی جلگه گیلان جستجو کرد. این تپه‌ها که نظیر آنها در مازندران و گرگان نیز فراوان است، به نام «قلعه کل» خوانده می‌شوند. امروز از قلعه‌هایی که بر این بلندیها بوده است، نشانی نیست. درختان و علفهای بلند جنگلی یکسره روی این تپه‌ها را پوشانده و هیچگونه نشانی از نهفته‌های درون آنها پدیدار نیست. نگارنده یکایک این تپه‌ها را که از نزدیک مشاهده کرد، شرح داد و نام عده‌ای از آنها را با ذکر محل آنها، در فهرستهای آخر هر فصل آورد.

يك دسته از بناها هیچگونه تاریخی ندارد، ولسی سبك بنا حکایت از گذشته‌ای بسیار دور می‌کند. از آنها می‌توان اسپیه مزگت کیش خاله دیناچال و قلعه لیسار را درنومندان لیسار نام برد از این دو بنا که بگذریم، سایر بناها که تاریخی در آنها دیده شد از این قرار است:

- ۱- بقعه تاح‌الدین محمود خوی در امیرمحلله آستارا ۷۳۲ قمری
- ۲- بقعه سید امیر کیا = مدفون حاج‌باز بن شرف‌الدوله ۸۲۷ «
- ۳- تاریخ و قمنامه قرآنی که پری سلطان دختر سلطان محمدخان وقف بقعه سیدعلی کیا کرده و فعلاً در بقعه فیلده است ۹۰۱ «
- ۴- تجدید بنای قلعه رودخان به امر حسام‌الدین بن امیره دباح بن امیره علاءالدین اسحقی ۹۱۸ «
- ۵- سنگ قبر میرزا محمد بن قبادجان در بقعه پیر قطب‌الدین نردیک دهکده باعجه سرای آستارا ۹۴۲ «
- ۶- اتمام بنای بقعه آکاشاه در رودروده سنگر ۹۲۵ «
- ۷- تاریخ اتمام صندوق سلیمان داراب در ذی‌الحجه ۹۵۳ «
- ۸- اتمام بنای بقعه عون بن محمد بن علی علیه السلام در ماسوله

- به سعی ملك خلیل بن خبر بیک
 ۹۶۹ قمری « ۹- سنگ قبری در بقعه سلطان سید حاجی محمود مرندی
 ۱۰- سنگ قبر بدیع الزمان میرزا در بقعه فیله پنجم شهر
 ۹۸۶ « جمادی الاولی
 ۱۱- سنگ قبر ملك ابو القاسم در بقعه سلطان سید حاجی محمود
 ۹۹۵ « مرندی
 ۱۲- سنگ قبر ترك خانم دختر برج علی تری در بقعه
 ۹۹۵ « عون بن محمد بن علی علیه السلام
 ۱۳- سنگ قبر هاشم بیک بن میرم بیک در بقعه عون بن محمد بن
 ۹۹۷ « علی علیه السلام در دی القعه
 ۱۴- بنای کتبد سلطان سید حاجی محمود مرندی به دستور
 ۹۹۸ « امیره تی تی دختر سلطان محمد خان در هشتم ماه رجب
 ۱۵- سنگ قبر مریم دختر میر خلیل متولی در بقعه عون بن
 ۱۰۰۴ « محمد بن علی علیه السلام
 ۱۶- کتیبه صندوق سید ابو جعفر در شهر رشت که امروز ارمیان
 ۱۰۰۹ « رفته است
 ۱۷- تاریخ انعام ضریح مشبک عون بن محمد بن علی علیه السلام
 ۱۰۱۵ « در ماسوله
 ۱۸- سنگ قبر بی بی رحمت دختر حاجی هادی ملکی در دهکده
 ۱۰۲۳ « خشت مسجد کوچسهمان در ماه ربیع الاول
 ۱۹- سنگ قبر شاه منصور بن شاه ملك آقا در بقعه فیله در بیست و
 ۱۰۲۹ « یکم محرم الحرام
 ۲۰- سنگ قبر محمد بدیع بن محمد اسماعیل در بقعه عون بن
 ۱۰۵۲ « محمد بن علی علیه السلام در ماسوله

چهارده

- ۲۱- بنای سردر ساقی هزار در جور شر لشتنشاہ
 ۱۰۵۵ قمری
- ۲۲- سنگ قبر محمد علی بن محمد امین زاویه در بقعه سلطان
 ۱۰۵۷ «
- حاجی سید محمود مرندی در حرزویل
- ۲۳- سنگ قبری بردیوار در رودی بقعه عون بن محمد بن علی
 ۱۰۶۰ «
- علیه السلام در ماسوله
- ۲۴- تاریخ معجز شسکه ای امامزاده شفیع بن موسی الکاظم علیه-
 ۱۰۷۳ «
- السلام در دهکده قشلاق نشین امامزاده شفیع شاندرمن
- ۲۵- سنگ قبر میرزا رحیم خان ولد میرزا کبیر خان در بقعه
 ۱۰۸۰ «
- فیلده در تاریخ شنبه بیستم شهر ربیع الاول
- ۲۶- تاریخ بنای دروازه حرزویل
 ۱۰۹۰ «
- ۲۷- تاریخ بنای مسجد صاحب الزمان در ماسوله
 ۱۱۱۷ «
- ۲۸- سنگ قبر آقا محمد زکی بن محمد قاسم در بقعه عون بن
 ۱۱۶۷ «
- محمد بن علی علیه السلام در تاریخ بیستم شهر ربیع الاول
- ۲۹- فرمان تولیت تربت قوشه جد در سنگ دی تول کبلان هشتپیر
 ۱۱۷۱ «
- مورخ
- ۳۰- تاریخ وقفنامه قرآبی که میر قاسم فیله‌دهی بر بقعه فیلده وقف
 ۱۱۹۴ «
- کرده است.
- ۳۱- سنگ قبر محمد حسن خان ولد حاجی معصوم کسمائی در
 ۱۱۹۵ «
- رجب
- ۳۲- تاریخ بنای گلدسته مسجد ساغری سازان در شهر رشت
 ۱۲۰۴ «
- ۳۳- سنگ تاریخی بنای مسجد جامع جور شر لشتنشاہ مورخ
 ۱۲۰۶ «
- ۳۴- تاریخ اتمام صندوق میر شاہ محمود در دهکده شیخان گفشه
 ۱۲۴۰ «
- لشتنشاہ
- ۳۵- تاریخ بنای محراب مسجد مستوفی در شهر رشت
 ۱۲۴۲ «

- ۳۶- تاریخ اتمام در دولتی بقعه سید عباس و سید اسماعیل در
محلّه ساغری سازان شهر رشت
۱۲۴۳ قمری
- ۳۷- سنگ قبر کلثوم دختر میر قاسم در بقعه فیله
۱۲۵۰ «
- ۳۸- تاریخ سنگ لعنت نامه‌ای در بقعه سیداحمد در کیلوای
کوچسپهان
۱۲۵۵ «
- ۳۹- تاریخ فرمان ناصرالدین شاه بر کتیبه‌ای سنگی در بقعه
خواهر امام در شهر رشت
۱۲۷۲ «
- ۴۰- تاریخ بنای بقعه سید قاسم بن موسی الکاظم علیه السلام در
دهکده چولاب کوچسپهان
۱۲۸۲ «

1887

تواریخ دیگری مؤخر بر سال ۱۲۸۲ که در بناها دیده شد، در این کتاب آمده است، از آنجا که زمان زیادی بر آنها نگذشته است در این مقدمه یاد آور نشدیم.

نام تعدادی از بقاع یاد آور دورانی است که هنوز دین مبین اسلام در کوه ودشت گیلان رواجی نداشته است. نامهای بقاع زیر را می توان جزء این گروه دانست.

- ۱- مزار لاله شوی در شهر رشت که طاهرأ بقعه خواهر امام بهای آن بنا شده است . ۲- ساقی مزار در حورش لشتنشاہ که محل قدیمی بقعه آقا سید محمد رصاصت . ۳- بقعه دو الکوه بر مرز آلیان و تنیان ۴- سلطان برز کوه بر سامان اسالم و تالش دولاب . ۵- گلی لور در خشایر تالش دولاب بیلاقی ۶- با بلندی در دو فرسخی لمیر محلّه آستارا ۷- بابامرری در کنار رودخانه ویزه ۸- آکاشا (۱) در رود مرده سنگر و نظایر آنها .

توضیحی درباره بقاع متبرک گیلان

بیش از اینکه شاه عباس اول به فکر برابرداختن خان احمد خان بیفتد

۱- در متن کتاب احتمال دادیم که این نام با «عکاشه» ارتباط دارد .